

## جنايات هولناكى كه در سلولهاى انفرادى (سگدونى) زندان گوهر دشت عليه زندانيان روى ميدهد

زندانيان بى دفاع و اسير كه اكثر آنها جوانان هستند بدليل اعتراض به برخوردها و رفتار هاى قرون وسطائى رئيس بند حسن آخريان كه شكنجه گرى بى رحم و جلادى به تمام معنا و همدستان او در اين بند و در كل در زندان صورت مى گيرد به شكنجه گاه منتقل مى شوند. زندانيان بى دفاع به سلولها انفرادى معروف به سگدونى انتقال داده مى شوند. آنها را تحت شكنجه هاى وحشيانه قرار مى دهند كه منجر به شكسته شدن دست و پاهایشان مى شود كه تا به حال چند مورد آن گزارش شده است و در حال حاضر 2 نفر از آنها در بهدارى زندان گوهردشت كرج بسترى هستند كه به نام هاى سامان محمديان و محسن بيگوند مى باشند. عمل ضد بشرى و جنايتكارانه كه عليه تعداد زيادى از زندانيان بكار برده شده است تجاوز جنسى و يا استعمال باتون به زندانى بى دفاع در حالى كه به آنها دست بند، پابند و چشم بند زده شده است و پس از شكنجه طولانى و شكستن پا و دستان آنها اين شكنجه جنايتكارانه صورت مى گيرد. تماس حسن آخريان با مادر يكي از زندانيان و اعلام فوت فرزندش و اينكه مى تواند جسد وي را از بيمارستان تحويل بگيرد منجر به سكته قلبى و انتقال اين مادر به بيمارستان شد. زندانيان در سلولهاى نگهدارى مى شوند كه فاقد سرويس بهداشتى است و به آنها اجازه استفاده از سرويس بهداشتى داده نمى شود. آنها براى مدتى طولانى گاه تا چند هفته با اين وضعيت مواجه هستند/عريان كردن زندانى و گرفتن پتو و تمام امكانات پوششى و مرطوب نگه داشتن كف سلول كه سيمانى است و بايد زندانى بر روى آن استراحت كند /قطع كامل داروهاى زندانى براى مدت طولانى/به صورت روزانه مورد شكنجه قرار دادن زندانى با باتون و پاشيدن گاز فلفل و اشك آورد به درون سلول/پاشيدن محتويان كپسول آتش نشانى به صورت زندانى / توهين خانوادگى به زندانى/ زندانيانى كه دست و پاى آنها شكسته شده است براى مدتى طولانى نگه داشتن در سلول تا دچار عفونت شديد شوند و حتى در آستانه مرگ قرار گيرند/قطع ارتباط كامل زندانى با خانواده و جهان خارج از سلول/ غذا دادن به زندانى در حد زنده ماندن/شكنجه زندانى بدليل شكايستى وي و يا خانواده آتش از شكنجه گران و گرفتن رضايست اجبارى از او / قتل زندانيان در زير شكنجه و اعلام علت آن بعنوان خودكشى و يا مصرف بيش از حد مواد مخدر و موارد متعدد ديگر.

يكي از ده ها زندانى كه دچار چنين شرايط هولناكى در سلولهاى انفرادى معروف به سگدونى شده است آقاى بهرام تصويرى 30 ساله و 6 سال است كه در زندان در حالت بلاتكليف بسر مى برد. او در حدود 6 هفته بيش به دليل اعتراض به توهينهاى خانوادگى پاسداربندى بنام يوسفى براى 5 روز به سلول انفرادى منتقل مى شود. آقاى تصويرى از آنها مى خواهد كه به او اجازه بدهند كه با خانواده اش تماس بگيرد. اما آنها به او اجازه تماس با خانواده اش نمى دهند . حسن آخريان با خانواده اين زندانى تماس مى گيرد و به مادر آقاى تصويرى اطلاع ميدهد كه فرزندش فوت کرده است و جسد او در بيمارستان است و مى تواند جسد او را تحويل بگيرد. مادر آقاى تصويرى وقتى اين خبر را مى شنود دچار سكته قلبى مى شود و به بيمارستان انتقال مى يابد. حسن آخريان بعد از اينكه متوجه مى شود كه مادر آقاى تصويرى دچار سكته قلبى شده است و در بيمارستان بسترى مى باشد به بهرام تصويرى خبر سكته و بسترى شدن مادرش را مى دهد. آقاى تصويرى خواهان تماس با خانواده مى شود و از طرفى 5 روز سلول انفرادى او پايان يافته و به روز هفتم كشيده شده است اما از خارج كردن او از سلول انفرادى خوددارى مى كنند. او خواستار ملاقات با رئيس زندان مى شود ولى به حرفهاى او گوش فرا داده نمى شود. تا اينكه براى پايان دادن به شرايط سخت و طاقت فرسا اقدام به خودسوزى مى كند. پاسداربندها به سلول او يورش مى برند به چشمانش گاز فلفل و اشك آور مى زنند و با باتون به سر و صورت او مى كوبند .

زندانى بهرام تصويرى بابدنى سوخته به سلولى كه محل شكنجه زندانيان است برده مى شود و به او دست بند، پابند و چشم بند مى زنند و براى مدت طولانى او را با باتون شكنجه مى كنند در اثر اين شكنجه ها دست و پاى او را شكستند و سپس لباسهاى او را از تنش خارج كردند. افسر كشيك فردى بنام ميرزا آقاى و دو پاسداربند به نام هاى يوسفى و شيرخوانى باتون را به او استعمال مى كنند. اين زندانى بى دفاع در اثر اين شكنجه بيهوش مى شود و با ريختن آب بر روى او، وي را دوباره بيهوش مى آورند و شكنجه جنسى دوبار تكرر مى شود. تمامى اين شكنجه ها با حضور و شركت حسن آخريان رئيس بند 1 صورت مى گيرد. سپس زندانى بهرام تصويرى به سلول انفرادى بازگردانده مى شود. او را عريان مى كنند و بدون داشتن پتو و يا هر پوشش ديگرى بر روى كف سيمانى سلول رها مى كنند و هر از چند گاهى كف سلول آب مى ريزند. اين زندانى بى دفاع در حالى كه پاها و دستانش شكسته شده بود و بدنش مجروح و خونين بود به

مدت یک ماه در آن شرایط به حال خود رها شده بود. شکستگی پای او دچار عفونت می شود و او به اغما فرو می رود و ناچاراً وی را به بهداری زندان منتقل می کنند. بهداری زندان از تحویل گرفتن او برای مدتی خوداری می کند چونکه در آستانه مرگ قرار داشت و نمی خواست مسئولیت او را بپذیرد. نهایتاً فردی بنام دکتر رضوی او را بستری می کند و پس از بهوش آمدن به آنها می گوید باید تحت عمل جراحی فوری قرار گیرد ولی حسن آخریان با عمل جراحی وی مخالفت می کند و او را به سلولهای انفرادی باز می گرداند که با فشار پزشکان بهداری او بعد از دو روز تحت عمل جراحی قرار می گیرد.

خانواده آقای تصویری برای رسیدگی به جنایتی که علیه فرزندشان روا داشته شده شکایتی را تنظیم کرده اند و همچنین خود آقای بهرام تصویری به بازرسی زندان شکایت کرده است. فردی بنام رضا ترابیان او را تهدید کرده است که در صورت عدم رضایت عواقب وخیم آن را خواهد دید. و حتی احتمال قتل او در زندان وجود دارد. ترابیان می گوید پزشک قانونی به حرفهای تو و خانواده ات گوش نخواهد کرد و به حرفهای زندان گوش می دهد تو کی طی این مدت موارد زیادی را دیده ای.

در طی روزهای شنبه و یکشنبه حسن آخریان بدلیل شکایت کردن آقای تصویری و خانواده اش در مقابل چشمان سایر زندانیان او را برای مدت طولانی با باتون مورد شکنجه قرار داد. آخریان این زندانی را با شکنجه تحت فشار قرار داده است که باید رضایت بدهد و از شکایت خود منصرف شود.

زندانیان بی دفاع دیگری که با چنین شرایط مواجه شده اند و تعدادی از آنها هنوز در سلولهای انفرادی بسر می برند عبارتند از؛ احمد اشکان، رضا جلاله، مجید افشار، محسن بیگوند، نقی نظری، مهدی سورانی (در اثر شکنجه فکش را شکسته شده و در سلولهای انفرادی است)، قیصر اسماعیلی، مجید محمودی، ناصر قوچان لو، حسین کریمی، حمید اشکی، شیر محمد محمدی، حسن شریفی، 6 ماه که بی جهت در سلولها انفرادی است و بصورت روزانه تحت شکنجه قرار دارد.

منبع: فعالین حقوق بشر و دمکراسی

وارد شده: 04/03/89 – 25/05/2010